



هر چند میلیون‌ها تن به شیوه‌های مختلف در زمینه ارتباط کار می‌کنند، اما روزنامه‌نگاران به‌خاطر ماهیت کارشان، در جهت شکل دادن به اندیشه‌ها و عقاید، در موضوعی به‌ویژه نیرومند قرار دارند. از نظر بسیاری از مردم، روزنامه‌نگاری، تنها یک حرفه نیست، بلکه یک رسالت است.

#### دسترسی به اطلاعات

روزنامه‌نگاران، خواستار حق کسب اطلاعات بدون مانع و پخش کامل و سریع آن هستند؛ سردبیران و مفسرین، خواستار حق بیان آزادانه عقاید می‌باشند. حق آگاه‌شدن و شنیدن عقاید گوناگون، در اصل، حق هر شهروند است اما در عمل، بستگی به آزادی روزنامه‌نگاران دارد. البته درست است که همه باید از حق کسب و انتشار اطلاعات و بیان عقاید برخوردار باشند، اما به‌خاطر آنکه این، روزنامه‌نگاران هستند که در قبال قیدوبندهایی که مقامات برقرار می‌کنند انتقادپذیر می‌باشند اغلب، چه بخواهند و چه نخواهند خود را در خط اول دفاع از آزادی می‌یابند.

گزارش کمیسیون مک‌برايد در باره

## حقوق حرفه‌ای، مقررات صنفی و اصول اخلاقی\*

پیگیری فعال حقایق مربوط به مصالح عمومی، یکی از معیارهایی است که با آن، استعداد‌های حرفه‌ای یک روزنامه‌نگار را می‌سنجند. نقش یک روزنامه‌نگار کنجکاو، واری اقامات مصادر امور و نشان دادن هرگونه سوءاستفاده از قدرت یا ناشایستگی است. حق وی در تحقیق پیرامون سوءمدیریت و فساد اداری، از اهمیتی ویژه برخوردار است، زیرا این حق، یکی از راه‌های تأمین این امر مهم است که بی‌کفایتی و نادرستی، کل سیستم را آلوده نسازد. به این دلایل، کسانی که قدرت را شدیداً در قبضه دارند مخالف روزنامه‌نگارانی هستند که راضی به پخش و انتشار اخبار رسمی یا خیرهای مأخوذ از منابع اطلاعاتی دست‌اندرکار امور نیستند. در برخی کشورها وضع روزنامه‌نگاران، آن‌قدر خطرناک شده است که چیزی نمانده این حرفه دچار بحران شود. روزنامه‌نگاران درست‌کار به تدریج دست از این حرفه می‌شویند و جوانان صاحب استعداد، عزم ورود به این حرفه را نمی‌کنند. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، آن هشت روزنامه‌نگاری را که در کامبوج ناپدید شدند یا آن گزارشگر تلویزیون را که یک افسر گارد به اصطلاح ملی در نیجریه در کمال خونسردی هدف گلوله قرار داد از یاد نبرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل، در گزارش سال ۱۹۷۷ خود از ۱۰۴ خبرنگار زندانی یا مفقودالائثر در بیست و پنج کشور دنیا خبر داد. اطلاعاتی را که مؤسسه بین‌المللی مطبوعات<sup>۱</sup> بررسی کرده، و شامل یک دوره پانزده‌ماهه در سال‌های ۱۹۷۶-۷۸ می‌باشد، حاکی از آن است که در این دوره، بیست و چهار روزنامه‌نگار مقتول، پنجاه و هفت تن زخمی، شکنجه یا ربوده شده، و سیزده روزنامه هدف بمب‌گذاری قرار گرفتند. خبرنگارانی که در کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند چنانچه رژیم‌های سرکوبگر را

آزرده سازند خطر اقدامات تلافی جویانه را به خود می‌خورند. علاوه بر آن، احتمال این خطر نیز وجود دارد که بسا سردبیران آنان یا صاحبان امتیاز که دلواپس حفظ نمایندگی خویش در کشور خارجی هستند از آنان حمایت نکنند. مسلماً، مجازاتی را که خبرنگاران خارجی تحمل می‌کنند معمولاً اخراج است، حال آنکه روزنامه‌نگارانی که در کشور موطن خود فعالیت می‌کنند امکان دارد به ناچار با زندان، شکنجه یا حتی مجازات مرگ روبه‌رو شوند. برای کسانی که تحت حکومت‌های دیکتاتوری که آزادیشان را پایمال کرده است، زندگانی می‌کنند، آخرین امید باقی مانده آن است که گزارش‌هایی که پیرامون وضع ناخوشایند آنان تهیه می‌شود به دنیای خارج برسد و افکار بین‌المللی را بیدار سازد.

### حمایت از روزنامه‌نگاران

مسئله تضمین‌های ویژه یا حمایت از روزنامه‌نگاران، مدتها پیش مطرح شد. نخستین کوشش برای برقراری شکلی از حمایت را بیش از بیست و پنج سال پیش انجمن‌های صنفی آغاز کردند. از هنگام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکنون، پیشنهادهای بسیاری برای تنظیم تدابیر بین‌المللی در این خصوص به عمل آمده است. متن کنوانسیون‌ها را که سازمان ملل برای حمایت از روزنامه‌نگاران در مأموریت‌های خطرناک تهیه کرده است هنوز در مرحله پیش‌نویس قرار دارد؛ کنوانسیون شورای اروپا درباره خبرنگاران خارجی نیز همان وضع را دارد. با این حال، در پروتکل منضم به کنوانسیون ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ ژنو، که مربوط به حمایت قربانیان مناقشات مسلحانه بین‌المللی است، ماده مربوط به حمایت از روزنامه‌نگاران تصریح می‌کند که روزنامه‌نگارانی که در مأموریت خطرناک حرفه‌ای در مناطق درگیری مسلحانه به سر می‌برند، باید تحت شرایطی معین، به عنوان غیرنظامی تلقی شوند و همانند آنان تحت حمایت قرار گیرند.

همچنین می‌توان اعلامیه رسانه‌های جمعی را که در نشست سال ۱۹۷۸ کنفرانس عمومی یونسکو به تصویب رسید ذکر کرد، که در آن تصریح می‌شود:

اگر قرار است رسانه‌های جمعی در موقعیتی باشند که در جریان فعالیت‌های خود به پیشبرد اصول این اعلامیه بپردازند، لازم

است روزنامه‌نگاران و دیگر مأموران رسانه‌های جمعی، در کشور خودشان و در خارج، از وجود حمایتی که بهترین شرایط را برای انجام وظیفه آنان تضمین می‌کند اطمینان یابند. این مسأله در سمینارهایی که در آوریل سال ۱۹۷۸ و ماه مه سال ۱۹۷۹ در استکهلم و پاریس برگزار شد زیر نظر CIC مورد بحث قرار گرفت.

به نظر می‌رسد که در میان سازمان‌های گوناگون روزنامه‌نگاران، سخن‌پراکنان و ناشران، یک اتفاق آرای عمومی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه برای تأمین حمایت بهتر از روزنامه‌نگاران در جریان انجام دادن وظایفشان در اوضاع و احوال خطرناک، اعم از اینکه چنین اوضاع و احوالی ناشی از مناقشات مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی باشد، باید تدابیری مؤثر را پذیرفت. به این مهم می‌توان از طریق الحاق یک متمم مناسب به پروتکل کنوانسیون ژنو دست یافت.

لیکن، قید شرط‌هایی سنگین درباره مطلوبیت یک سیستم عمومی حمایت ابراز شده است. ایراد گرفته‌اند که روزنامه‌نگاران نیایستی به کسب امتیازات یا حمایت‌هایی بپردازند که به آنان موقعیتی ممتاز بخشد، زیرا احساس می‌شود که حقوق بشر، برای همه مردم، بهترین تضمین آزادی اطلاعات است. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگاران، زمانی به راستی تحت حمایت خواهند بود که حقوق هرکس کاملاً به رسمیت شناخته شود.

در میان اعضای خود این صنف، بسیاری این عقیده را دارند که تدابیر حمایتی ویژه می‌تواند منتج به آن شود که نمایندگان قدرت مستقر، روزنامه‌نگاران را تحت مراقبت قرار



### ■ همه باید از حق کسب و انتشار اطلاعات و بیان عقاید برخوردار باشند، اما به‌خاطر آن‌که این، روزنامه‌نگاران هستند که در قبال قیدوبندهایی که مقامات برقرار می‌کنند انتقادپذیر می‌باشند اغلب، خود را در خط اول دفاع از آزادی می‌یابند.

دهند، و این خود، انجام وظیفه را برای آنان - بیش از آنکه آسان سازد - دشوار می‌کند. حمایت از روزنامه‌نگار ممکن است موکول به ترتیب صدور پروانه شود که به مقامات امکان می‌دهد تا درباره اینکه چه کسی روزنامه‌نگار است و چه کسی روزنامه‌نگار نیست، اظهار نظر کنند. این رویه، خود، اصلی را نقض می‌کند که به موجب آن، روزنامه‌نگار به صرف استخدام، یا در برخی کشورها به صرف عضویت در یک اتحادیه یا انجمن صنفی، شخصی حرفه‌ای به‌شمار می‌رود. طرح‌های صدور پروانه می‌تواند به‌طور کامل منتهی به مقررات محدودکننده حاکم بر رفتار روزنامه‌نگاران شود؛ یعنی تنها کسانی از حمایت برخوردار شوند که موافقت رسمی را کسب کرده باشند.

هر چند مسأله حمایت از روزنامه‌نگاران مسأله‌ای است بسیار واقعی و جالب‌توجه، اما کمیسیون در این نگرانی که چشم‌انداز صدور پروانه پدید آورد سهم بود و احساس می‌کرد که این امر می‌تواند بالقوه برای آزادی اطلاعات خطرناک باشد. بسیاری از اعضا ترجیح دادند که مسأله را در چارچوب گسترده‌تر حقوق و مسؤولیت‌های روزنامه‌نگاران مطرح کنند، و در همین راستاست که در بخش پنجم گزارش، توصیه‌هایی به عمل آمد. و بر ارتباط میان آزادی روزنامه‌نگاران و آزادی شهروندان، و همچنین براین عقیده تأکید شد که آزادی روزنامه‌نگاران، ویژگی یک جامعه دموکراتیک است.

### مقررات صنفی

شماری از کشورهای قانون خاصی را که تنظیم‌کننده جنبه‌های مختلف حرفه روزنامه‌نگاری است پذیرفته‌اند. در کشورهای دیگر شاید مواد را در این خصوص در قوانین اجتماعی، در قراردادهای جمعی یا در

## تدوین هنجارهای اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، برای نخستین بار در سال‌های دهه ۱۹۲۰ آغاز شد. در حال حاضر، تعداد شصت کشور در سراسر دنیا نظام‌نامه‌های کم‌وبیش گسترده‌ای را - که اغلب مورد پذیرش اشخاص حرفه‌ای قرار گرفته است - پذیرفته‌اند.

نظام‌نامه‌های سازمان‌های صنفی گنجانده باشند. همچنین علم حقوق و آیین‌نامه‌های صنفی نیز می‌توانند جای چشمگیری در تعیین وضعیت صنفی روزنامه‌نگاران از نظر قانونی داشته باشند.

در کشورهای مختلف دربارهٔ اقتضای مقررات رسمی که وضع حقوقی این صنف را مشخص می‌کند نظرات متفاوتی وجود دارد. صدور پروانه رسمی کار برای روزنامه‌نگاران به هیچ‌وجه امر تازه‌ای نیست و در واقع، شیوه‌ای است متداول - از جمله، مثلاً، در امریکای لاتین - اما تجربه نشان می‌دهد که رویه‌های پیچیده برای رسمیت بخشیدن به این کار منجر به تقویت دخالت دولت در جریان ملی و بین‌المللی اخبار می‌شود.

شماری از کشورها دربارهٔ پذیرش مقرراتی در این زمینه شروطی قید کرده‌اند؛ آنها ادعا می‌کنند که هرگونه تعریف ثابت از روزنامه‌نگاری، امکان دارد خطرناک باشد. این کشورها هیچ‌گونه قانون حاکم بر این حرفه، که اصولاً ورود به آن برای هرکس آزاد است، ندارند. از سوی دیگر، کسانی که با تعریف قانونی روزنامه‌نگار حرفه‌ای و شرایط اجازهٔ ورود به این حرفه موافق می‌باشند استدلال می‌کنند که وجود چنین مقرراتی برای تضمین حقوق روزنامه‌نگاران ضروری است.

در برخی قوانین تصریح می‌شود که رازداری حرفه‌ای، هم یک حق است و هم یک تکلیف. و مقصود از آن، حمایت از روزنامه‌نگاران و آزادی اطلاعات، به‌منظور تسهیل دسترسی به منابع خبری و پرهیز از فریب اعتماد عمومی است. افزون بر آن، بسیاری متون قانونی، حاکی از آن است که نباید مانع انجام وظیفهٔ روزنامه‌نگار شد و نباید برای وادار کردن او به دادن شرح نادرست یا جهت‌دار از وقایع، هیچ‌گونه فشار یا اربابی

به‌کار رود.

تقریباً در تمام موارد، قوانین در عین حال وظایف و تکالیف تبعی را تصریح می‌کنند؛ مثلاً، اعتدالی منزلت این حرفه، رعایت نظام‌نامه صنفی آن، خودداری از دادن اطلاعات نادرست یا تأیید نشده، و مانند اینها. در برخی کشورها قوانین، وظایف مشخص‌تری را بیان می‌دارند؛ از جمله مسؤولانه عمل کردن از نظر اجتماعی، رعایت حقوق بشر و اصول همکاری میان ملت‌ها، و جلوگیری از به دست آوردن برخی انواع اطلاعات - مثلاً، از پلیس یا دوایر نظامی - بدون اجازهٔ آنان. کشورهای دیگر، انواع مختلف محدودیت‌ها را وضع می‌کنند: کنارگرفتن روزنامه‌نگاران برای ارگان اطلاعاتی دیگر بدون اجازه از کارفرمای خود یا کارکردن آنان برای یک ارگان خبری خارجی بدون اجازهٔ دولت، ممنوع است. تدابیر انضباطی نیز ممکن است وجود داشته باشد. این تدابیر برحسب شدت جرم، ممکن است حتی شامل قلم گرفتن نام روزنامه‌نگار از فهرست اعضای صنف باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، استدلال‌های گوناگون که له و علیه وجود مقرراتی حاکم بر این حرفه به عمل می‌آید متناقض می‌باشند. تعدد سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی در دنیا، و نیز نیازهای مشخص هر کشور، بدیهی است که ارائهٔ یک پاسخ کاملاً مثبت و یا یک پاسخ منفی را در این باره دشوار می‌سازد. اما در نهایت، پاسخ به این مسأله بستگی به اساس و پایهٔ هرگونه مقررات پیشنهادی خواهد داشت.

### نظام‌نامه‌های اصول اخلاق حرفه‌ای

تدوین هنجارهای اخلاقی حرفه‌ای برای نخستین بار در سال‌های دههٔ ۱۹۲۰ آغاز شد. در حال حاضر تعداد شصت کشور در سراسر دنیا نظام‌نامه‌های کم‌وبیش گسترده‌ای را که اغلب مورد پذیرش خود اشخاص حرفه‌ای قرار گرفته است پذیرفته‌اند. استانداردهایی را که برای رفتار تعیین می‌کنند بر روی هم جنبه‌ای عام دارند - از جمله، آزادی دسترسی به منابع اطلاعات، عینیت، تعهد به خودداری از وارد آوردن افتراء اما اغلب اینها در لافاهٔ ابهام و گاهی اصطلاحاتی نارسا هستند. از سوی دیگر، شمار نظام‌نامه‌هایی که حاوی اصول حاکم بر وظایف و مسؤولیت‌های روزنامه‌نگاران در قبال جامعهٔ بین‌المللی یا

کشورهای خارجی باشد اندک است. اصول اخلاق حرفه‌ای برای روزنامه‌نگار شاغل زمانی که تلاش می‌کند تعادلی ظریف میان آزادی و مسؤولیت برقرار کند اصولاً واجد اهمیت است. بوگدان اوزولنیک عضو کمیسیون به این مسأله اشاره دارد و می‌گوید:

اصول اخلاق روزنامه‌نگاری را نمی‌توان به اعلام اصول و درخواست رعایت آن از سوی روزنامه‌نگاران محدود کرد. آنچه به آن نیاز است تلاش‌های دایمی به منظور افزایش فرصت‌های واقعی برای کار آزاد و مسؤولانه در رسانه‌هاست. یکی از مهم‌ترین شرایط برای این منظور، بدون شک، دموکراتیک کردن روابط داخلی در رسانه‌های جمعی است. میزان توانایی کسانی که در رسانه‌ها کار می‌کنند در گسترش خلاقیت و نشان دادن کیفیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای خویش، به نحوهٔ ادارهٔ آن مؤسسه، منابع مالی که در دسترس قرار می‌گیرد، به سیاست تحریریه و به بسیاری شرایط مشخص دیگر بستگی دارد.

اصول اخلاق حرفه‌ای در ثبات اخلاقی تجلی می‌کند، و روزنامه‌نگار با این ثبات اخلاقی علیه منافع و فشارهای گوناگونی می‌ایستد که وی را وادار به تغییر یا تحریف اطلاعات و یافته‌هایش و یا چشم‌پوشی از انتشار حقیقت می‌کنند.<sup>۲</sup>

در عین حال، مواردی وجود داشته است که کارفرما خود بیش از روزنامه‌نگار شاغل نیازمند توجه به اصول والای اخلاقی بوده است. مثال مناسب در این باره «روزنامه‌نگاری دسته‌چکی»<sup>۳</sup> است که به یک شخص (گاهی یک جنایتکار) پول پرداخت می‌شود تا مطالبی را به‌طور انحصاری در اختیار یک روزنامه قرار دهد. اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران به این رویه حمله کرده‌اند و اتفاق رأی دارند که اعضا نباید در «افشاگری‌ها» بی‌که نوشته و به نام شخصی دیگر چاپ می‌شود سهمی داشته باشند و همکاری کنند، اما مسؤولیت نهایی این امر با کنترل کنندگانی است که چک‌ها را امضا می‌کنند.

مسألهٔ جدی‌تر، بهره‌برداری سازمان‌های اطلاعاتی از این حرفه است. این سازمان‌ها برای تهیهٔ اطلاعات، پول به روزنامه‌نگاران پرداخت می‌کنند یا یک مأمور مخفی که در این صنف رخنه می‌کند، خود را به عنوان روزنامه‌نگار مطرح می‌سازد. بدیهی است این رویه، قابل سرزنش است، و اتحادیه‌های

روزنامه‌نگاران به کرات اعلام کرده‌اند که برای اعضای آنها ارائه خدمت به کسان دیگر یا دریافت پول از هرکس دیگر به‌جز کارفرماشان عملی غیراخلاقی است. لیکن در همان حال که برخی سردبیران و صاحبان امتیاز اغفال شده‌اند، سردبیران و صاحب‌امتیازان دیگر به قرارومدارهای پنهان رضایت داده‌اند. در کشورهایی که دولت روزنامه‌ها را تحت کنترل دارد یا می‌تواند آنها را ارباب کند وجود نظام‌نامه‌های مربوط به اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری نمی‌تواند بهانه چندان مؤثری باشد، و مانع سازمان‌های اطلاعاتی از به دست آوردن کنترل مخفی یک نشریه هم نمی‌تواند باشد؛ رویه‌ای که در سال‌های اخیر ناشناخته نبوده است.

هر چند در این باره که نظام‌نامه‌ها باید شامل چه نکاتی باشند نمی‌توان حکم کلی داد، اما مشورت‌های بین‌المللی که در گذشته صورت گرفته به اهداف وسیعی اشاره داشته است. حمایت مردم و نیز روزنامه‌نگار شاغل یا سایر کسانی که مستقیماً با اخبار و افکار مرتبط هستند؛ هدایت سردبیران یا هرکس که برای آنچه منتشر یا پخش می‌شود مسؤلیت قانونی می‌پذیرد؛ تعریف مسؤلیت‌های صاحبان امتیاز، صاحبان سهام یا دولت‌هایی که بر رسانه‌ها کنترل دارند؛ پرداختن به مسائل آگهی‌دهندگان یا سایر کسانی که خدمات رسانه‌ها را خریداری می‌کنند.

تا آنجا که به نظام‌نامه‌های ملی و منطقه‌ای مربوط می‌شود، جلسه مشورتی که رییس این کمیسیون ترتیب داد تأیید کرد که این نظام‌نامه‌ها مشروط بر اینکه به‌طور کامل تهیه شود و خود این صنف آن را بپذیرد مطلوب است. لیکن تنظیم یک نظام‌نامه بین‌المللی مربوط به اصول اخلاقی، هنوز به‌صورت موضوعی بسیار بحث‌انگیز باقی است. و هواداران آن تأکید می‌کنند که وجود آن برای

**■ بسیاری از متون قانونی، حاکی از آن است که نباید مانع از انجام وظیفه روزنامه‌نگار شد و نباید برای وادار کردن او به دادن شرح نادرست یا جهت‌دار از وقایع، هیچ‌گونه فشار یا اربابی به‌کار رود.**

برقراری یک نظم نو اطلاعاتی جهانی جنبه اساسی دارد.

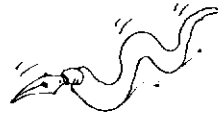
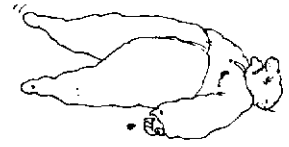
این مسأله برای نخستین بار حدود سی سال پیش در چارچوب سازمان ملل مورد بحث قرار گرفت. بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲ کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات،<sup>۴</sup> پیش‌نویس نظام‌نامه بین‌المللی اصول اخلاقی پرسنل اطلاعاتی<sup>۵</sup> را تهیه کرد. در سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی تصمیم گرفت روی این پیش‌نویس اقدامی نکند، و بعداً آن را به رسانه‌ها و انجمن‌های صنفی آنها ارسال داشت تا آن‌طور که مناسب بدانند اقدام کنند.

چندین انجمن بین‌المللی، پیش‌نویس اعلامیه‌های اصول یا نظام‌نامه‌های اصول اخلاقی را تهیه کرده‌اند یا آنها را پذیرفته‌اند؛ از جمله انجمن سخن‌پراکنان ایترامریکا<sup>۶</sup> (لیما، ۱۹۵۵)، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (پاریس، ۱۹۷۳)، فدراسیون روزنامه‌نگاران امریکای لاتین (که دوازده سازمان آن را تأیید کرده‌اند) و تهیه پیش‌نویس یک نظام‌نامه اصول اخلاق حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران عرب، زیر نظر اتحادیه عرب (۱۹۷۷). با وجود این ابتکارها، بسیاری از روزنامه‌نگاران و مقامات دولتی مسؤل در امر ارتباط، مدعی هستند که تنظیم یک نظام‌نامه بین‌المللی در این زمینه، با توجه به تصورات گوناگونی که از نقش روزنامه‌نگار در جهان امروز وجود دارد غیرممکن خواهد بود. همان‌طور که الی ابل عضو کمیسیون مطرح کرده است:

فراهم آوردن یک نظام‌نامه جهانی برای روزنامه‌نگاران تمام کشورها در شرایط کنونی نه امکان‌پذیر است و نه مطلوب. در واقع از روزنامه‌نگاری در جهان امروز دو تصور کلی ذاتاً متمایز وجود دارد. هرچا که مطبوعات بازوی دولت باشد، جایی برای اعمال‌نظر مستقل صنفی از سوی روزنامه‌نگاران نمی‌تواند وجود داشته باشد. یک نظام‌نامه اصول اخلاقی که با چنین سیستم کنترل سیاسی سازگار باشد لزوماً باید از جانب روزنامه‌نگارانی که نقش خود را نقشی مستقل از دولت و، در واقع نقشی تقریباً همراه با شک و تردید نسبت به قدرت دولت می‌دانند، مردود شمرده شود.

شوراهای مطبوعاتی و رسانه‌ای امروزه تعداد پنجاه شورای مطبوعاتی و رسانه‌ای در تقریباً تمام مناطق دنیا وجود دارد

**■ اصول اخلاق حرفه‌ای در ثبات اخلاقی تجلی می‌کند، و روزنامه‌نگار با این ثبات اخلاقی علیه منافع و فشارهای گوناگونی می‌ایستد که وی را وادار به تغییر یا تحریف اطلاعات و یافته‌هایش و یا چشم‌پوشی از انتشار واقعیت می‌کنند.**



www

کند.

از شوراهای مطبوعاتی به گونه‌هایی دیگر انتقاد کرده‌اند. استدلال می‌کنند در حالی که آن دسته از رسانه‌ها که استانداردهای نه چندان بالایی دارند و ادار به بهبود بخشیدن به کارشان نخواهند شد، روزنامه‌نگاران، روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های موجه نیازی به شوراهای مطبوعاتی ندارند. افزون بر آن، این‌گونه شوراها با توجه به ترکیب معمولی و منابع مالی اندکشان نه بر دولت‌ها می‌توانند تأثیر بگذارند و نه بر طبقات متمول. برعکس، با احتمال این خطر روبرو می‌شوند که تحت‌کنترل یکی از این دو در آیند. ادعا می‌شود شوراهای مطبوعاتی، مسؤولیت اجتماعی را کاهش می‌دهند. باید در قبال تجربیات نهادین، که احساس می‌شود جز سرپوشی برای مداخله رسمی نباشند، به تأثیرات جمعی تصمیم‌های فردی اعتماد بیشتری نشان داد.

اما درباره شوراهای رسانه‌ای، تعدادی به موجب قانون تشکیل شده‌اند یا اینکه عهده‌دار حل و فصل شکایات مردم از تحریف، اشتباه کاری، تجاوز ناروا و غیرمجاز به حریم شخصی می‌شوند. کمیسیون فدرال ارتباطات در ایالات متحده نیز به موجب «آموزه انصاف» که به منظور تضمین ارائه متوازن مسائل عمومی بحث‌انگیز اندیشیده شده عهده‌دار بررسی شکایات‌های مردم است. کشورهای دیگر، همانند کانادا، اکنون پیش از تجدید اعتبار پروانه‌های سخن‌پراکنی، جلسات استماع تشکیل می‌دهند تا مردم این فرصت را داشته باشند که درباره نحوه خدمت ایستگاه رادیو تلویزیونی به خصوصی اظهار نظر کنند.

شوراهای مطبوعاتی و رسانه‌ای در ضمن اینکه به طور چشمگیر متفاوتند، به نظر می‌رسد

■ هرگاه رسانه‌ها خودشان در برپایی شوراهای مطبوعاتی ابتکار عمل را به دست می‌گیرند، این شوراها به مثابه محاکم افتخاری «خود انضباطی» عمل می‌کنند. این محاکم به وضوح، محاکمی دموکراتیک هستند؛ یعنی همه اشخاص حرفه‌ای قواعد رفتار صنفی را، که از سوی اکثریت وضع می‌شود، رعایت می‌کنند.

■ گرچه اعلامیه یونسکو به حق پاسخ یا به حق تصحیح به صراحت اشاره نمی‌کند، اما با این وجود حاوی این اصل است که «دیدگاه‌های آنان که فکر می‌کنند اطلاعاتی که درباره آنان منتشر یا پخش می‌شود شدیداً به تلاش‌هایشان در راه تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، اعتلای حقوق بشر یا مقابله با تبعیضات نژادی، آپارتاید و تحریک به جنگ لطمه زده است باید پخش شود».

دولت هستند، برخی دیگر را ناشران روزنامه، مالکان و روزنامه‌نگاران تأسیس کرده‌اند، در همان حال برخی شوراهای دیگر شامل نمایندگان عامه و نمایندگان این صنف هستند. معمولاً احساس می‌شود که یک شورای مطبوعاتی باید از کنترل دولت، آزاد و شامل نمایندگان عامه و نیز مالکین رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران باشد. مثلاً، شورای مطبوعاتی بریتانیا<sup>۸</sup> در روزهای نخستین فعالیت خود، یعنی زمانی که اعضای آن تنها از صنعت مطبوعات انتخاب می‌شدند، به نظر می‌رسید تأثیری نداشته باشد. این شورا تنها زمانی جلب توجه کرد که افراد غیرحرفه‌ای وارد آن شدند. به‌طور قطع، مالکین رسانه‌ها از بیم آنکه می‌بینند امتیازهای ویژه آنان محدود می‌شود امکان دارد به اعضای غیرحرفه‌ای شورا ابراد بگیرند، و روزنامه‌نگاران شاید فکر کنند که عامه مردم همواره شایستگی داوری را ندارند، اما عضویت غیرحرفه‌ای در بسیاری شوراها ثابت شده است که کاری درست بوده و می‌تواند به دموکراتیک‌تر ساختن ارتباط کمک

که به شکایت‌های مردم رسیدگی می‌کنند. نخستین شورایی که زمان تأسیس آن به سال ۱۹۱۶ باز می‌گردد، شورای سوئدی است که هنوز شورایی نمونه به‌شمار می‌آید. دولت هیچ‌گاه تلاش نکرده است تا با وارد ساختن مقررات یا داخل کردن نمایندگان خویش در این شورا آن را به یک ابزار کنترل تبدیل کند. این شورا در ارتباط با یک آمبودزن<sup>۹</sup>، شغلی که در سال ۱۹۶۹ برای رسیدگی به موارد نقض اصول اخلاق حرفه‌ای به وجود آمد، با موفقیت عمل می‌کند. آمبودزن کمک می‌کند تا میان شاکی و روزنامه، یک تراضی خصوصی حاصل آید، و روزنامه موافقت می‌کند مراتب ترک دعوا را منتشر یا برداشت اشتباه از حقایق را تصحیح کند. چنین فردی سالانه به تعداد ۴۰۰ شکایت که علیه مطبوعات مطرح می‌شود رسیدگی می‌کند، و روزنامه‌ها مکلفند زمانی که احکامی علیه آنها صادر می‌شود رأی محکمه را منتشر کنند.

در دیگر نقاط دنیا، ترکیب شوراها تفاوت می‌کند. برخی از شوراها شامل نمایندگان

## ■ در کشورهای که دولت، روزنامه‌ها را تحت کنترل دارد یا می‌تواند آنها را ارباب کند وجود نظام‌نامه‌های مربوط به اصول اخلاق روزنامه‌نگاری، نمی‌تواند مانع سازمان‌های اطلاعاتی از به دست آوردن کنترل مخفی یک نشریه باشد.

دست‌کم مخرج مشترکی بین آنها وجود داشته باشد: به این معنا که هرگاه رسانه‌ها خودشان در بسپاریی شوراهای ابتکار عمل را به دست می‌گیرند، این شوراهای به مثابه محاکم افتخاری خود انضباطی عمل می‌کنند. این محاکم به وضوح، محاکمی دموکراتیک هستند؛ یعنی همه اشخاص حرفه‌ای قواعد رفتار صنفی را، که از سوی اکثریت وضع می‌شود، رعایت می‌کنند.

### حقوق پاسخ و تصحیح

حق پاسخ و حق تصحیح را در بسیاری کشورها به رسمیت شناخته‌اند و بیشتر اوقات این حقوق را قانون تضمین می‌کند، اما باید میان این دو حق تمایز قائل شد. با اینکه بحث آزاد بسیار مطلوب است، اما روزنامه‌ها نمی‌توانند تضمین کنند که هر نامه‌ای را به عنوان سردبیر، اگر تنها به خاطر نبودن جای کافی نباشد، منتشر خواهند کرد. از سوی دیگر، برای اطمینان از اینکه اشتباهات و اظهارات نادرست تصحیح می‌شوند، باید حق تصحیح یا دقت بسیار رعایت گردد.

قاعدتاً، از این حقوق، تنها در قبایل مطبوعات استفاده می‌شود، اما در یوگسلاوی، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و سوئد تعمیم پیدا کرده و شامل سخن‌پراکنی نیز می‌شود. با توجه به اینکه نشان داده شده است که ترس از بدزبانی، ترسی بی‌اساس است، اکنون این گرایش وجود دارد که برحق پاسخ در رادیو و تلویزیون و نیز مطبوعات تأکید گذارده شود.

این سؤال که آیا باید حق تصحیح و حق پاسخ به سطح بین‌المللی تعمیم یابد، همواره مطرح بوده است. بسیاری احساس می‌کنند تا جایی که این امر مستلزم قانون‌گذاری درباره

«حقیقت» و «عینیت» می‌باشد، دولت‌ها ممکن است از آن برای مرود داشتن استفاده کنند، و هیأت تحریریه استقلال خود را از دست بدهد. همین تنوع سیستم‌ها را که کشورها پذیرفته‌اند یا همان رسوم و ارزش‌های فرهنگی حاکی از آن است که مطرح کردن مقررات بین‌المللی، معیاری نه مقرون به صلاح و نه واقع‌گرایانه است.

عده‌ای دیگر در پشتیبانی از حق بین‌المللی پاسخ و تصحیح اظهار می‌دارند که، در حقیقت، اکنون یک کنوانسیون بین‌المللی در این باره وجود دارد و آن «کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح»<sup>۹</sup> است. این کنوانسیون را مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۵۲ تصویب کرد، اما تا این تاریخ تنها تعداد انگشت شماری از کشورها آن را تصویب کرده‌اند. این کشورها استدلال می‌کنند که، هرچند ممکن است این کنوانسیون یک سند آکادمیک و بسیار غیرمؤثر باشد، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که به دنبال یک گزینه بهتر نباشیم. اگر قرار باشد «حق برقراری ارتباط» پذیرفته و در حقوق بین‌الملل گنجانده شود، پس نه تنها باید شامل حق آگاه شدن باشد، بلکه حقوق تبعی آن را - حق آگاه کردن، تکمیل اطلاعات ناقص و تصحیح آن، زمانی که نادرست باشد - نیز باید در برداشته باشد. در این جهان بی‌ثبات که در آن زندگی می‌کنیم، اخبار نادرست می‌تواند ایجاد ناآرامی کند، موجب درگیری‌های اجتماعی و یا تشدید آنها شود، و جلو سرمایه‌گذاری‌ها را بگیرد یا مسیر آنها را منحرف کند. البته امکان ارجاع موضوع به دادگاه در برخی موارد وجود دارد، اما فرایند رسیدگی، آن قدر طولانی است که تا هنگام صدور رأی، آسیب وارده تأثیر خود را گذارده است.

در اینجا باز هم مواضعی که طرف‌های گوناگون پذیرفته‌اند بسیار از یکدیگر فاصله دارد؛ دست‌کم در آینده نزدیک، سازش دادن این مواضع و پذیرفتن اسناد بین‌المللی مؤثرتر، دشوار خواهد بود. گرچه اعلامیه یونسکو به حق پاسخ یا به حق تصحیح به صراحت اشاره نمی‌کند، اما با این وجود حاوی این اصل است که «دیدگاه‌های آنان که فکر می‌کنند اطلاعاتی که درباره آنان منتشر یا پخش می‌شود شدیداً به تلاش‌هایشان در راه تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، اعتلای حقوق بشر یا مقابله با تبعیضات نژادی، آزارتاید و تحریک به جنگ لطمه زده است باید پخش شود». این، حداقل،

کمترین چیزی است که باید برای همه قابل قبول باشد. □

\* نقل از کتاب یک جهان، چندین صدا، ویرایش شن مک‌براید، ترجمه ایرج پاد، انتشارات سروش، ۱۳۶۹ صص ۱۷۳-۱۸۵.

پی‌نویسها:

1. International Press Institute.
2. Professional Ethics in Mass Communication, CIC Document.
3. Cheque-book journalism.
4. Sub-Commission on Freedom of Information and the Press.
5. Draft International Code of Ethics for Information Personnel.
6. Inter-American Association of Broadcasters (Lima, 1955).
۷. آئینداز (Ombudsman) بازرسی مأمور تحقیق شکایات مردم از ادارات و دوایر دولتی. - م.
8. The British Press Council.
9. The Convention on International Right of Correction.